

۲۷ جولای ۲۰۰۵

«تغییر رژیم» بدون جنگ و از راه تحولِ تدریجی

عبدی کلانتری

یکی از کارشناسان مهم سیاست خارجی در آمریکا که ریاست ستادِ فکریِ «شورای روابط خارجه» را به عهده دارد، در آخرین شماره نشریه «فارن آفرز» (*Foreign Affairs*) توصیه کرده است که آمریکا باید در قبال ایران و کره شمالی همان سیاستی را در پیش بگیرد که در مورد شوروی سابق در پیش گرفت. مقابله نظامی با این دو کشور هرچند راه حلی سریع و کوتاه مدت است، اما اشغال نظامی و سپس جایگزینی رژیم و ساختن دولت جدید به سبک عراق، برای آمریکا بسیار پرهزینه خواهد بود و معلوم هم نیست که نتیجه مطلوب را بدهد. این کارشناس عقیده دارد یک سیاست تدریجی «بده بستان سیاسی» و فشارهای دیپلماتیک، حتا اگر چند دهه به درازا بکشد، سرانجام از طریق تحول تدریجی باعث زوال یا سقوط این دو دشمن آمریکا خواهد شد.

«شورای روابط خارجه» (*Council on Foreign Relations*) یکی از مهمترین ستادهای فکریِ محافظه کارانِ آمریکایی است. رییس کنونیِ شورا، آقای ریچارد هاس (Richard Haass) در آخرین شماره نشریه آن در باره محدودیت های سیاست «تغییر رژیم» در خاورمیانه مطلبی نوشته که در آن استدلال می کند برای عقب راندن و سرانجام شکست دولت های متخاصم، آمریکا تاکنون دو راه را دنبال کرده: یکی سیاست کابینه روزولت که در آلمان و ژاپن پیاده شد. یعنی نه تنها عقب راندن آنها در صحنه نبرد بلکه ادامه جنگ تا اشغال نظامی و بیرون راندن دولت های آنها و سپس بازسازی کامل رژیم و کشور. این سیاستی بود با هزینه کلان و درگیری کامل در امور داخلی کشورهای شکست خورده. کابینه بوش در عراق چنین سیاستی را پی گرفت. راه دوم آن است که در سالهای جنگ سرد در قبال اتحاد شوروی اجرا شد. این سیاستی است که از مقابله رویارو پرهیز می کند و از طریق «بده بستان» و چانه زنی در مذاکرات پیچیده و پایان ناپذیر، دشمن را عقب نگه می دارد تا سرانجام در موقعیت مساعد و شاید پس از چندین دهه مانورهای دیپلماتیک و اقتصادی، این دولت های متخاصم خود از درون ازهم بپاشند.

آقای هاس توصیه می کند که با ایران و کره شمالی، که به احتمال زیاد در سالهای آینده با حفظ رژیم های فعلی شان تبدیل به قدرت های هسته ای خواهند شد، باید به طریق جنگ سرد رفتار کرد. به جای «تغییر رژیم» باید از «تحول تدریجی رژیم» (*regime evolution*) صحبت کرد که ممکن است چند دهه

طول بکشد. باید از رادیو، تلویزیون و اینترنت استفاده استراتژیک کرد و ایران را به عضویت «سازمان تجارت جهانی» (WTO) درآورد و آنرا وادار به پذیرش رفورم های اقتصادی کرد، رفورم هایی که در حقیقت امر سیاسی هستند. کمک مستقیم به نهاد های غیردولتی جامعه مدنی و دادن امتیاز به دولت در قبال آزادی های مدنی و اقتصادی و کم کردن تهدیدهای خارجی اش نیز از وجوه این سیاست است.

کسانی که هنوز از راه حل نظامی دفاع می کنند از جمله حمله های هوایی پیشگیرانه به مناطق نظامی و استراتژیک را در نظر دارند. آقای هاس می نویسد بمباران های دقیق هوایی همیشه به اطلاعات امنیتی زمینی متکی است و با توجه به اینکه برنامه های هسته ای به شدت مخفی و زیر زمینی هستند، به دست آوردن اطلاعات جاسوسی دقیق کار ناممکنی است.

حفظ چنین توازن و قبول ایران و کره شمالی به عنوان قدرت های هسته ای، کاملن خالی از ریسک نیست. به عقیده رییس شورای روابط خارجه، در واکنش به چنین توازن خطرناکی، به احتمال زیاد کره جنوبی و ژاپن نیز به سمت هسته ای شدن خواهند رفت. در خاورمیانه نیز چه بسا مصر، عربستان سعودی، سوریه و حتا عراق در دهه های آینده همین راه را دنبال کنند. این شرایط، بهایی است که آمریکا باید پردازد، اما بهایی به مراتب کمتر از اشغال های نظامی و کشورسازی های پرهزینه. تهدیدهای نظامی هم هراز چندگاه می تواند برای جلوگیری از سیاست فروش یا پخش تروریستی سلاحهای تخریب جمعی به کار رود اما در کنار سیاستی که قلب آن را دیپلماسی تشکیل می دهد. دیدگاههای آقای ریچارد هاس، که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ مدیر دفتر برنامه ریزی سیاسی در وزارت خارجه دولت بوش بود، نشان می دهد که محافظه کاران نزدیک به کابینه جورج بوش در قبال ایران یک نظر واحد ندارند.

عبدی کلانتری - نیویورک

Abdee Kalantari

<http://www2.dw-world.de/persian/avwindow/custom.audio/27723.html>

http://www2.dw-world.de/persian/iran/aktuelle_berichte/1.148656.1.html